

## بررسی نقش برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بر رفاه اجتماعی از دیدگاه مردم

غلامرضا لطیفی\* ، حمید قره باغی\*\*

فیروزه حاج علی‌اکبری\*\*\* ، رضا شامی\*\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۸

### چکیده

رفاه اجتماعی از جمله مهم‌ترین مقولات دنیای معاصر است و تدوین و اجرای برنامه‌های رفاهی توسط دولت‌ها و سازمان‌های ذیربط از روش‌های مختلفی انجام می‌شود. گفته می‌شود اغلب برنامه‌ریزی‌های رفاهی، ذیل برنامه‌ریزی‌های کلان‌کشوری انجام شده و به ندرت خصوصیات منطقه، ناحیه و نیازهای نواحی را در نظر می‌گیرد. یکی از روش‌هایی که در سطح برنامه‌ریزی میان برد کاربرد دارد تکنیک برنامه‌ریزی ناحیه‌ای است. این روش بر خلاف برنامه‌ریزی‌های کلان، به صورت منطقه‌ای و با توجه به ظرفیت‌های بومی و

---

\* استادیار برنامه‌ریزی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی. (نویسنده مسئول). (عضو پیوسته گروه مطالعات جوانان)

rlatifi2002@yahoo.com

\*\* کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

h.gharegbaghi@zums.ac.ir

frouzehajialiakbari@gmail.com

\*\*\* استادیار گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان.

r.shami@zums.ac.ir

\*\*\*\* دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

ناحیه‌ای انجام می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بر رفاه اجتماعی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را شهروندان شهر زنجان و نمونه آماری آن مشتمل بر ۳۸۵ شهروند شهر این می‌باشد که از طریق فرمول کوکران برای جامعه نا محدود محاسبه شده است. پس از مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی مبانی نظری موضوع، داده‌های موردنیاز به شیوه پیمایشی با استفاده از پرسشنامه جمع آوری و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش مدل معادلات ساختاری انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بیشترین تاثیر را بر روی متغیر امنیت اجتماعی و در مراحل بعدی به ترتیب با متغیرهای فراغت، آموزش، سلامت، مسکن، بیمه و جمعیت رابطه معنا داری دارد.

**واژه‌های کلیدی:** برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، ناحیه، رفاه اجتماعی،

مدل معادلات ساختاری

## مقدمه

توسعه یکی از مباحث اساسی جهان معاصر است و جوامع توسعه نیافته به علت کمبود درآمد سرانه و عوامل بشمار دیگر گرفتار به اصطلاح «دور باطل فقر» اند (الیاسی، ۱۳۶۸: ۶۲). و به تبع آن این جوامع متحمل هزینه‌های سنگین انسانی و مادی فراوانی می‌شود و از سوی دیگر باید اضافه کرد که توسعه یافتگی و یا حتی توسعه نیافتگی در هیچ جامعه‌ای دارای توزیع یکسانی نبوده (پیت وهارت ویک، ۱۳۸۴) و در بسیاری از کشورها نابرابری‌ها با شدت و ضعف در «نواحی» و مناطق مختلف کشور پراکنده است (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۸). از این روی توسعه نیافتگی یک ناحیه یا منطقه در نهایت منجر به کاهش نرخ توسعه یافتگی کل کشور می‌شود. و شاید به جرات بتوان گفت از مهم‌ترین نشانه‌های این عقب ماندگی، وضعیت معیشتی و رفاهی مردم این نواحی است. لازم به گفتن نیست که حداکثر کردن متغیرهای اقتصادی همانند «تولید ناخالص

### ۳ بررسی نقش برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بر رفاه اجتماعی ...

داخلی»<sup>۱</sup> و افزایش کمی تولید و درآمد سرانه به معنای رشد کیفی تمام آحاد جامعه نیست (لطیفی، ۱۳۸۶) و یا دست کم معیار قابل قبولی برای اثبات بهزیستی اکثریت مردم نمی‌تواند باشد، پس شاید مقوله رفاه اجتماعی پیچیده تر از آن است که تصور می‌شود، به خصوص این که هدف غائی توسعه، هدف‌های اجتماعی است و حتی هدف‌های اقتصادی نیز در نهایت وسیله‌ای جهت نیل به هدف‌های اجتماعی است (لطیفی، ۱۳۸۹). برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، به عنوان دانش نسبتاً جدید، سعی در حل مشکلات و نارسایی‌های برنامه‌ریزی‌های کلان و مرکزی دارد و با وجود این که این نوع از برنامه‌ریزی دانش نسبتاً نوپایی است ولی طی همین زمان اندک، جایگاه ثابت و شایسته‌ای را در بین انواع برنامه‌ریزی‌ها یافته است (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۸) بنابراین این نوع از برنامه‌ریزی با داشتن همپوشانی قابل توجه اهداف خود با اهداف انسانی و اجتماعی، می‌تواند جهت ارتقاء رفاه و حل مسایل اجتماعی کاربرد فراوانی داشته باشد. به گفته بسیاری از کارشناسان، نابرابری در ایران یک ویژگی محسوب می‌شود، به طوری که شکاف در نواحی و مناطق بین شهری و درون شهری و به خصوص شهر و روستا از سالیان بسیار دور کاملاً مشهود و بارز بوده است. از این روی ضرورت توجه به نواحی عقب افتاده از دهه‌های گذشته مورد توجه کارشناسان بوده است و همواره ذهن متفکرین اجتماعی را - از عدم توزیع عادلانه امکانات در سطح نواحی و مناطق - به خود مشغول کرده است. بنابراین به نظر می‌رسد، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای یکی از راه‌های جبران این عقب افتادگی در سطح نواحی و مناطق است. چراکه هدف اساسی برنامه‌ریزی ناحیه‌ای از یک سو «هماهنگ کردن برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی با نیازها و امکانات محلی و ناحیه‌ای» است (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۸) و از سوی دیگر این نوع برنامه‌ریزی نیازمند «مشارکت مردم در برنامه‌ریزی» و بهره‌گیری از نوآوری‌ها، خلاقیت‌ها و ابتکارات مردم است (آسایش، ۱۳۸۸) و همچنین باید یاد آور شد، در

کشورهای در حال توسعه بعد از چند دهه تجربه برنامه‌ریزی ملی و متمرکز در عمل مشاهده شده که برنامه‌ریزی ملی و کلان در اکثر موارد جوابگوی احتیاجات ناحیه نبوده و واحدهای فقیر و عقب مانده در جوار و حاشیه نواحی خیلی پیشرفته به چشم می‌خورد. بنابراین برنامه‌ریزی ناحیه‌ای را می‌توان «کوششی جهت دار، متشکل و مقطعی برای انتخاب بهترین راه‌ها و روش‌ها، به منظور رسیدن به هدف‌های خاص در یک منطقه دانست. از دیدگاه دیگر، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای عبارت است از کوششی جهت بالا بردن سطح زندگی مردم در ناحیه و یا کوششی جهت به دست آوردن حداکثر استفاده از منابع کمیاب و به کارگیری استعدادهای منطقه» (آسایش، ۱۳۸۸: ۶۱). بنابراین برنامه‌ریزی ناحیه‌ای یک هدف نیست بلکه ابزاری است برای «کاستن از عدم تعادل‌ها، توزیع بهینه امکانات و بهره‌برداری اصولی و منطقی و پایدار از توان‌های ناحیه‌ای، از این روی به نظر می‌رسد توجه بیشتر به مقوله برنامه‌ریزی ناحیه‌ای می‌تواند امکان توانمند سازی این نوع از برنامه‌ریزی برای رسیدن به هدف غائی خود، یعنی رفاه اجتماعی را فراهم سازد و در عین حال شایسته است، روشن شود این نوع برنامه‌ریزی، فارغ از جنبه‌های تکنیکی، کمی و پیچیده، چگونه می‌تواند در گسترش رفاه اجتماعی مردم مفید واقع می‌شود.

### الگوی نظری تحقیق

از برنامه‌ریزی تعاریف مختلفی شده است فریدمن برنامه‌ریزی را اینگونه تعریف می‌کند: «برنامه‌ریزی اساساً یک روش اندیشیدن به مسائل اجتماعی و اقتصادی است، جهت گیری برنامه‌ریزی عمدتاً به سوی آینده است، عیناً به ارتباط میان هدف‌ها و تصمیم‌های جمعی مربوط می‌شود و برای جامع بودن خط مشی و برنامه تلاش می‌کند». (Friedman, ۱۹۷۵: ۶۱؛ جمعه پور، ۱۳۸۵: ۱۳۵). به زعم وی برنامه‌ریزی فعالیتی است که جامعه کوشش می‌کند از طریق آن بر خویشتن کنترل داشته و آینده را بر پایه عقل پی‌ریزی نماید. (لطیفی، ۱۳۷۹). همچنین برنامه‌ریزی را تلاشی برای مرتبط

بررسی نقش برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بر رفاه اجتماعی ... ۵

کردن شناخت، با اقداماتی در عرصه اجتماعی تعریف کرده‌اند (صراف، ۱۳۷۷: ۱۵۳). و یا برنامه‌ریزی عبارت است از نحوه استفاده از منابع محدود برای رفع نیازهای نامحدود، به نحوی که بالاترین رضایت را به ما می‌دهد (لنگرودی، ۱۳۸۶). به طور خلاصه نویسندگان داخلی تعاریف زیر را برای برنامه‌ریزی ارائه داده‌اند: «نظام تصمیم‌گیری برای تعیین خط‌مشی‌ها (زمردیان، ۱۳۶۴). کوششی برای انتخاب بهترین راه کار (شیعه، ۱۳۷۷). جریان آگاهانه یا سلسله اقدام‌های مرتبط با یکدیگر (معصومی اشکوری، ۱۳۷۰). پویش هدایت عقلانی مکانیزم تصمیم‌گیری در امور توسعه (آسایش، ۱۳۷۵). و یا فعالیتی عمومی برای رسیدن به اهداف (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰) و در نهایت باید گفت «در کتاب‌های مربوط به برنامه‌ریزی، علی‌رغم تعاریف گوناگونی که برای مفهوم برنامه‌ریزی ارائه می‌شود، در مجموع چهار مفهوم زیر در تمامی این تعاریف به چشم می‌خورد:

- جریان و مداومت: برنامه‌ریزی فرا‌گردی است که باید مداومت داشته باشد.
- ارشاد و هدایت: برنامه‌ریزی متضمن ارشاد، هدایت و مداخله در فعالیت‌های جمعی است.
- درون‌گری و هدف‌گیری: برنامه‌ریزی فعالیتی است جهت دار و درون‌نگر.
- تفکر و عقلانیت: برنامه‌ریزی فعالیتی است حساب شده و منطقی» (آسایش، ۱۳۸۸: ۴).

### برنامه‌ریزی ناحیه‌ای

برنامه‌ریزی اعم از ملی و منطقه‌ای، ناحیه‌ای، آمایش سرزمین و یا طرح ریزی کالبدی معانی جا افتاده و ثابتی ندارند. یعنی مفهوم آنها هم در اغلب کشورها هم در طول زمان دگرگون شده و هم متفاوت است (توفیق، ۱۳۷۱) اما «به طور ساده، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای را می‌توان، کوششی جهت دار، متشکل و منظم برای انتخاب بهترین راه‌ها و

روش‌ها به منظور رسیدن به هدف‌های خاص در یک منطقه دانست. از دیدگاه دیگر، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای عبارت از کوششی است جهت بالا بردن سطح زندگی مردم یا ناحیه و یا کوششی جهت به دست آوردن حداکثر استفاده از منابع کمیاب و به کارگیری استعدادهای منطقه. می‌توان گفت برنامه‌ریزی ناحیه‌ای یکی از سطوح برنامه‌ریزی در قالب توسعه و رشد اقتصادی و اجتماعی یک کشور می‌باشد که سطوح دیگر آن عبارت اند از برنامه‌ریزی ملی، برنامه‌ریزی منطقه، برنامه‌ریزی شهری و برنامه‌ریزی روستایی» (آسایش، ۱۳۸۸: ۶۰). همچنین «برنامه‌ریزی ناحیه‌ای فرآیندی است در جهت تنظیم و هماهنگ کردن برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، با نیازها و امکانات عملی و ناحیه‌ای» (همان، ۲۳). این نوع برنامه‌ریزی را به علت توجه به مشارکت مردم در فرایند اجرای برنامه می‌توان برنامه از پایین به بالا و در «جهت انطباق برنامه‌های کلان با ویژگی‌های ناحیه‌ای دانست» (آسایش، ۱۳۸۸: ۲۳). در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای برنامه‌ریزان بیشتر به فکر استفاده بهینه از منابع و قابلیت‌های ناحیه و همچنین بر طرف نمودن عدم تعادل‌های ناحیه‌ای هستند. در این تکنیک، برنامه‌ریزان باید به مشخصاتی توجه نمایند که یک ناحیه می‌تواند در آینده داشته باشد. چراکه قابلیت‌های یک ناحیه عاملی است که می‌تواند موجب شود برنامه‌ریزان، برنامه‌های خود را متناسب با آن طراحی نمایند» (همان، ۲۳). همچنین برنامه‌ریزی ناحیه‌ای متشکل از مجموعه سیاست‌ها، اهداف، تدابیر فنی، اقتصادی- اجتماعی و اداری است که به منظور استفاده بهینه از فضای جغرافیایی ناحیه اعمال می‌شود و هدف آن در واقع، اجرای طرح‌هایی است که بتواند فعالیت انسان‌ها را در نواحی جغرافیایی گوناگون، در یک کشور سازمان داده و حداکثر رفاه ممکن را برای جمعیت آن ناحیه فراهم آورد. برنامه‌ریزی ناحیه‌ای با توان‌های محیط طبیعی و منابع معدنی ناحیه در ارتباط است و همین توان‌های زیست محیطی (جغرافیایی) است که ظرفیت، سطح و امکان پذیرش برنامه‌های عمران ناحیه‌ای را تعیین می‌کند. از سوی دیگر باید توجه داشت که منظور از برنامه‌ریزی ناحیه‌ای تدوین برنامه برای محدوده‌ای کوچکتر از یک منطقه است و این

## ۷ بررسی نقش برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بر رفاه اجتماعی ...

محدوده کوچک می‌تواند گاهی به کوچکی یک شهرستان و یک شهر و یا به بزرگی یک استان و یک واحد باشد. اما برنامه‌ریزی ناحیه‌ای نیز در عمل همانند برنامه‌ریزی منطقه است با این تفاوت که برنامه‌ریزی ناحیه‌ای در سطح کوچکتر از منطقه انجام می‌گیرد.

### رفاه اجتماعی

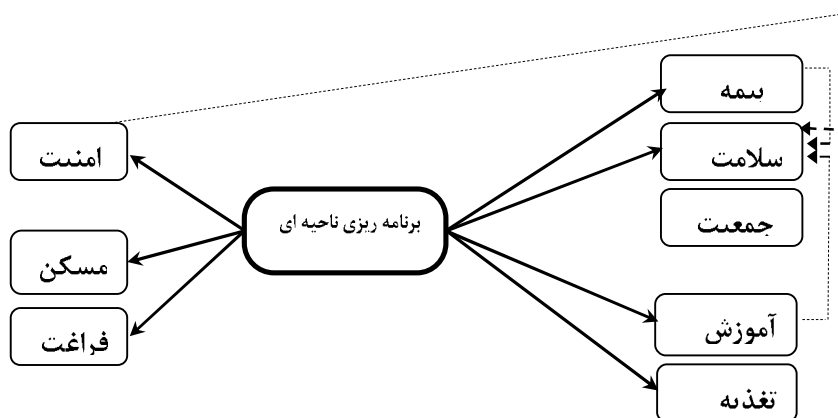
«رفاه اجتماعی شامل مجموعه‌ای متشکل از خدمات، موسسات و نهادهای اجتماعی است که هدف آن کمک به افراد جامعه، گروه‌های مختلف و خانواده‌ها به منظور توفیق آنها برای وصول به یک زندگی مطلوب می‌باشد» (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۳: ۱۱). «رفاه اجتماعی نتیجه فعالیت‌هایی است که نهادهای مختلف اجتماعی برای دستیابی افراد و گروه‌ها و جوامع به سطح قابل قبولی از زندگی، تندرستی و فرصت‌هایی که اجازه می‌دهد آنان تمامی استعدادهای خود را پرورش دهند و مسائل خود را در سازگاری با جامعه حل نمایند، عرضه می‌دارند» (مهدی طالب، ۱۳۶۸: ۲۳). منظور از رفاه اجتماعی «تلاش‌های انجام شده توسط دولت‌ها و سازمان‌های داوطلبانه برای کمک به خانواده‌ها می‌باشد و برنامه‌هایی چون تامین درآمد و حفظ آن در سطح قابل قبول، فراهم نمودن مراقبت پزشکی در ارائه خدمات درمانی عمومی، تامین مسکن، توسعه اجتماعی، مهیا نمودن خدمات برای تسهیل سازگاری اجتماعی و فراهم نمودن تسهیلات تفریحی و سرگرمی را شامل می‌شود. به علاوه رفاه اجتماعی قوانین تدوین شده و امکانات در نظر گرفته شده برای حمایت از افرادی است که تحت استثمار و بهره‌کشی قرار دارند و همچنین افراد و گروه‌هایی که مسئول اجتماع قلمداد می‌شوند، را نیز در بر می‌گیرد. به طور کلی «رفاه اجتماعی» تعبیری است که بیشتر به یک وضعیت چند جانبه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی معطوف است و حفظ شان انسان‌ها و مسئولیت پذیری جامعه در قبال آن و ارتقای توانمندی کلیت جامعه در عرصه‌های فردی و جمعی از اهداف اساسی آن است (یزدانی، ۱۳۸۲: ۳۱).

تعاریف دیگر رفاه اجتماعی عبارتند از:

- ۱- مجموعه متشکل از خدمات، موسسات و نهادها برای تامین زندگی مطلوب و برخورداری از موهبت‌های طبیعی و منابع اجتماعی.
- ۲- نظامی از خدمات، موسسات و نهادها برای تامین زندگی بهتر و روابط مناسب تر برای شکوفایی استعدادها و قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها.
- ۳- مجموعه فعالیت‌های سازمان یافته برای تطبیق انسان با محیط اجتماعی.
- ۴- نظامی از قوانین، برنامه‌ها و خدمات برای تامین نیازهای اساسی و اولیه انسان، [ که این نوع تعریف منطبق با دیدگاه نیازهای اساسی در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای و منطقه‌ای است و ابزار شناخته شده آن سازمان بهزیستی است ].
- ۵- سیستم منظمی از خدمات اجتماعی برای تامین زندگی مناسب افراد جامعه.
- ۶- تلاش برای تامین تساوی فرصت‌های زیستی، اجتماعی و اقتصادی بین همه افراد جامعه.

با توجه به تعاریف مختلف ارائه شده در زمینه رفاه اجتماعی و با در نظر گرفتن ابعاد متنوع زندگی انسان، می‌توان رفاه اجتماعی را چنین تعریف کرد «مجموعه سازمان یافته‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که در قالب موسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد» (سمت، ۱۳۷۳: ۱۰۰ به نقل از زاهدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۳-۱۴). پس چنانچه تعریف فوق نشان می‌دهد، رفاه اجتماعی مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌های رفاهی است که در قالب نهادها و سازمان‌های اجتماعی و با توجه به مفاهیم مربوط به رفاه اجتماعی (مانند تامین اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی، حمایت اجتماعی، مددکاری اجتماعی، خدمات اجتماعی، بهزیستی) با هدایت و حمایت دولت و مشارکت عموم مردم، تحقق می‌یابد تا «سعادت انسان» در جامعه دست یافتنی شود (زاهدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۴).





شکل ۱- نظری تحقیق اقتباس شده از دکتر زاهدی اصل، ۱۳۸۸

### روش بررسی

این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه شهروندان شهر زنجان است. محاسبه حجم نمونه از طریق فرمول کوکران برای جامعه نامحدود، انجام گردید با استفاده از این فرمول تعداد ۳۸۵ نفر شهروند ساکن در این شهر جهت شرکت در این پژوهش بر آورد گردید.

ابزار گرد آوری اطلاعات این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخت می‌باشد. به این صورت که در بحث سیستم. قسمت اول پرسشنامه مورد استفاده دارای ۶۳ گویه است که با اقتباس از مدل دکتر زاهدی اصل از هشت زیر مقیاس تشکیل شده است که عبارتند از: بعد امنیت (۱۱ گویه)، بعد و اوقات فراغت (۸ گویه)، بعد آموزش (۵ گویه)، بعد تغذیه (۵ گویه) و بعد مسکن (۷ گویه) بعد سلامت (۹ گویه)، بیمه (۱۲ گویه)، جمعیت (۶ گویه) و برای به حداکثر رساندن حس گمنامی پاسخگو، گویه‌های دموگرافیک (نام واحد، جنسیت، وضعیت تاهل، سن، سطح تحصیلات، شغل و میزان درآمد) در انتهای پرسشنامه قرار گرفت. همچنین از آنجائیکه متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، به تنهایی از شاخص‌های متعددی تشکیل شده است و جهت بررسی کمی این متغیر،

نیازمند پرسشنامه مستقل می‌باشد بنابر نظر اساتید و کارشناسان خبره، در این پژوهش این متغیر به صورت توصیفی در مورد بررسی قرار گرفته است. مقیاس مورد استفاده در این پژوهش طیف لیکرت پنج درجه‌ای (۱=کاملاً مخالفم، ۲=مخالفم، ۳=نظری ندارم، ۴=موافقم، ۵=کاملاً موافقم) است. همچنین ۵۰ پرسشنامه با هدف سنجش پایایی و روایی در بین شهروندان شهر زنجان توزیع شد، محاسبه پایایی شاخص‌ها با روش آلفای کرونباخ و روایی پرسشنامه، ابتدا با روش اعتبار محتوا انجام شد به این صورت که پرسشنامه مذکور جهت تایید محتوا علمی در اختیار ۸ نفر خبره (شامل ۲ نفر از اساتید دانشگاه علامه طباطبائی، ۳ نفر از اساتید دانشگاه زنجان، ۲ نفر از اساتید دانشگاه پیام نور زنجان و ۱ نفر استاد آمار و روش تحقیق) قرار گرفت. پس از انجام نظر خواهی و دریافت راهنمایی از این گروه، با استفاده از نتایج روش دوم اعتبار پرسشنامه، یعنی روش تحلیل عاملی اصلاحات لازم در پرسشنامه ترکیبی حاضر انجام گرفت، که نتایج این آزمون‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- آزمون روایی و پایایی پرسشنامه پژوهش توسط آزمون آلفای کرونباخ

و تحلیل عامل

نام شاخص	مقدار آلفا کرونباخ	ارزش کایزر- مایر-الکین	آزمون کروییت بارتلت	درجه آزادی	معناداری
برنامه‌ریزی ناحیه‌ای					
اوقات فراغت					
آموزش					
تغذیه					
مسکن					

					سلامت
					بیمه
					جمعیت
					امنیت

روش تحلیل اصلی مورد استفاده در این پژوهش روش مدل معادلات ساختاری است. برای استفاده از این روش، ابتدا مقادیر مفقودی با روش «حداکثر محتمل برای داده‌های مفقود» با استفاده از تکنیک (Expectation Maximization) جایگذاری شد. در قدم بعدی برای اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها که از شروط اساسی استفاده‌های از آزمون‌ها پارامتریک است، داده‌ها با استفاده از آزمون اندرسون - دارلینگ که قوی‌ترین و دقیق‌ترین آزمون تست نرمال می‌باشد، مورد آزمون قرار گرفت. در این پژوهش متغیرهای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، آموزش، مسکن، سلامت، بیمه، امنیت دارای توزیع نرمال بود و برای متغیرهای اوقات فراغت ( $p\text{-values} = 0.16$ )، جمعیت ( $p\text{-values} = 0.012$ ) و متغیر تغذیه ( $p\text{-values} = 0.046$ ) تبدیل داده‌ها به کار گرفته شد. روش تبدیل به کار گرفته شده برای دو متغیر بعد اوقات فراغت و جمعیت روش تبدیل جانسون و برای متغیر تغذیه روش BOX-COX بوده است. به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق و بررسی درجه اثر متغیرهای مستقل از روش مدل معادلات ساختاری در نرم افزار Lisrel استفاده گردید، در این روش معیار پذیرش معناداری ضرایب مسیر، قرار داشتن آنها در آستانه مقدار بحرانی ( $-1/96 < T < 96/1$ ) است.

### یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد که مردان با (۷۵/۹ درصد) تقریباً ۳ برابر بیشتر از مردان (۲۴/۱ درصد) در این تحقیق شرکت کرده‌اند، همچنین تعداد افراد متاهل (۵۵ درصد) کمی تعداد پاسخگویان مجرد (۴۴/۸ درصد) بوده است. اکثریت پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی (۳۴/۵ درصد) و بیش از نیمی از آنان در دامنه سنی زیر ۳۰ سال قرار داشته‌اند. بیش از نیمی از پاسخگویان شاغل و ۴۸/۳ درصد نیز غیر شاغل بوده‌اند.

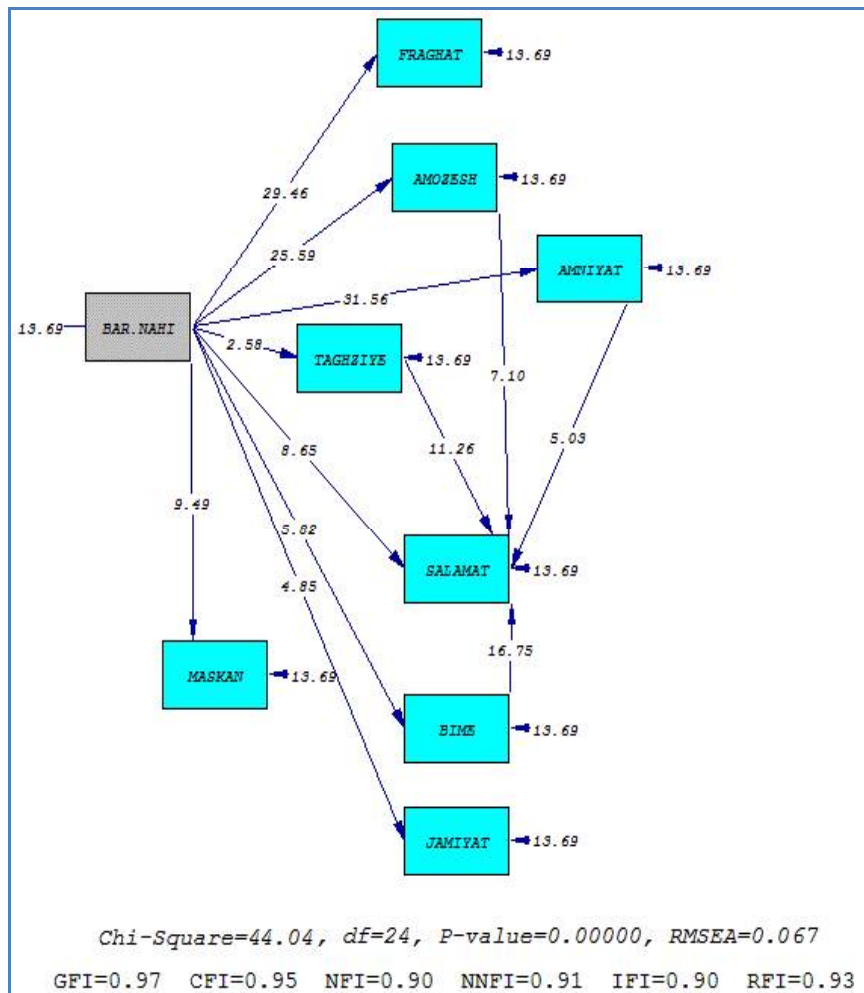
جدول ۲- زمون روایی و پایایی پرسشنامه پژوهش توسط آزمون آلفای کرونباخ و تحلیل عامل

متغیر	زیر گروه	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۲۸۶	۷۵/۹
	زن	۹۱	۲۴/۱
وضعیت تاهل	متاهل	۲۰۸	۵۵/۲
	مجرد	۱۶۹	۴۴/۸
تحصیلات	خواندن و نوشتن	۱۳	۳/۴
	راهنمایی	۲۶	۶/۹
	متوسطه	۳۹	۱۰/۳
	دیپلم	۶۶	۱۷/۳
	فوق دیپلم	۶۵	۱۷/۲
	لیسانس	۱۳۰	۳۴/۵

بررسی نقش برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بر رفاه اجتماعی ... ۱۳

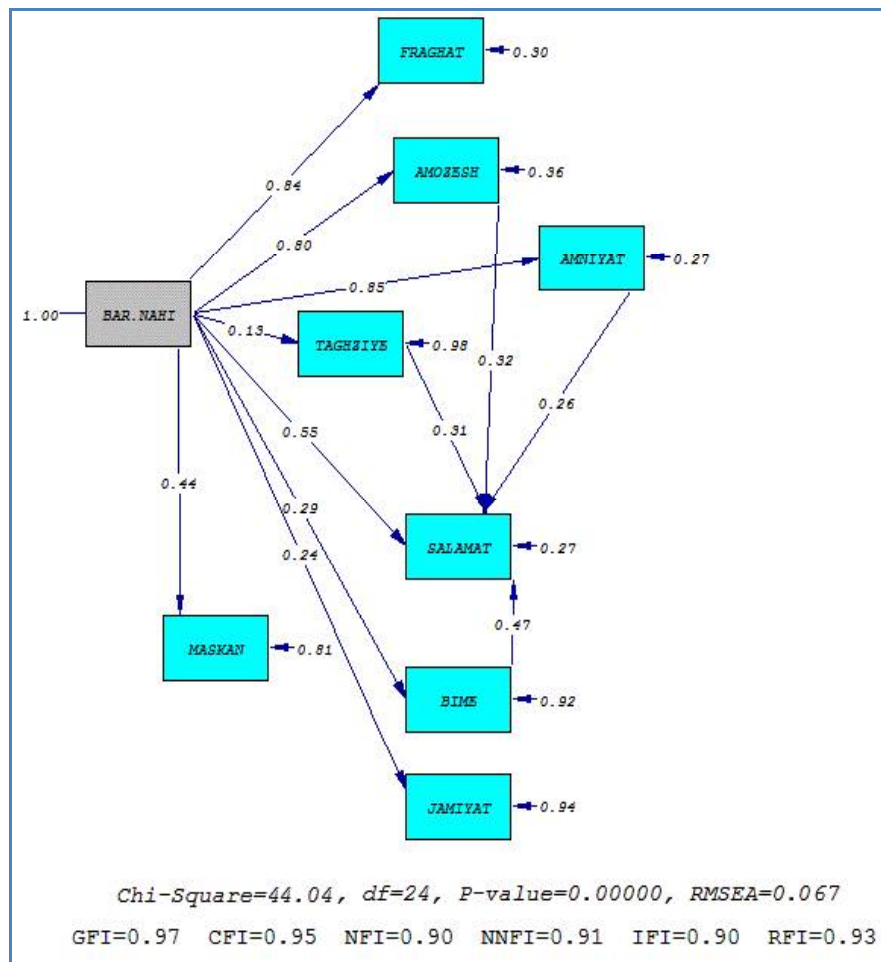
۱۰/۳	۳۹	فوق لیسانس و بالاتر	
۲۴/۱	۹۱	زیر ۲۰ سال	سن
۴۸/۳	۱۸۲	سال ۲۱ تا ۳۰	
۱۷/۲	۶۵	سال ۳۱ تا ۴۰	
۶/۸	۲۶	سال ۴۱ تا ۵۰	
۳/۴	۱۳	بالاتر از ۵۰ سال	
۵۱/۷	۱۹۵	شاغل	
۴۸/۳	۱۸۲	غیر شاغل	

شکل ۲ مدل نهایی این پژوهش را نشان می‌دهد، که با توجه به مدل مفهومی پژوهش و با پشتوانه مبانی نظری تدوین شده است، این مدل در حالت T-Values قرار دارد به کمک این حالت می‌توان به تایید یا رد فرضیه‌های پژوهش پرداخت.



شکل ۲- مدل معادلات ساختاری پژوهش در حالت معناداری

شکل ۳ حالت استاندارد مدل مفروض را نمایش می‌دهد، در این حالت امکان مقایسه و رتبه بندی متغیرهای وجود دارد. به این صورت که مقدار بیشتر ضریب مسیر به معنای تاثیر بیشتر بوده و مقادیر مثبت به معنای تاثیر مثبت و عامل افزایش مقادیر متغیر وابسته و مقدار منفی نیز به معنای تاثیر منفی و موجب کاهش مقادیر متغیر وابسته می‌گردد.



شکل ۳- مدل معادلات ساختاری پژوهش در حالت مقادیر استاندارد

اولین معیار قضاوت برازش مدل‌های (۱) و (۲)، مقدار کای اسکوئر بر روی درجه آزادی  $\chi^2/df$  است، از این معیار برای تک بعدی بودن سازه‌ها استفاده می‌شود و مقدار آن همواره باید کمتر از ۳ باشد. مقدار این شاخص برای مدل حاضر ۱/۸۳۵ است که این مقدار کوچکتر از عدد ۳ است، همچنین مقدار  $RMSEA = 0/067$  (ریشه میانگین مجذورات تقریب) که این مقدار، کمتر از حداکثر حد مجاز ۰/۰۸ است. بر طبق اطلاعات

مدل (۱ و ۲) مقدار شاخص‌های  $GFI=0/97$  (نیکویی برازش)،  $CFI=0/95$  (برازندگی تعدیل یافته)،  $NFI=0/90$  (برازندگی نرم شده)،  $NNFI=0/91$  (برازندگی نرم شده تعدیل یافته)،  $IFI=0/90$  (شاخص برازندگی فزاینده) و  $RFI=0/93$  (شاخص برازش نسبی) همگی، در آستانه مقادیر مجاز برازندگی قرار دارند. لذا با اطمینان می‌توان به آزمون فرضیه‌ها پرداخت.

جدول ۳- خلاصه مقادیر، علائم و متغیرهای مکنون مدل معادلات ساختاری پژوهش

T-Value	ضرایب استاندارد	علائم	متغیرهای مکنون
۲۹/۴۶	۰/۸۴	FRAGHAT	اوقات فراغت
۲۵/۵۹	۰/۸۰	AMOZESH	آموزش
۲/۵۸	۰/۱۳	TAGHZIYE	فرهنگ تغذیه
۹/۴۹	۰/۴۴	MASKAN	مسکن مناسب
۸/۶۵	۰/۵۵	SALAMAT	سلامت جسمی-روانی
۵/۸۲	۰/۲۹	BIME	بیمه
۴/۸۵	۰/۲۴	JAMIYAT	توسعه کیفی جمعیت
۳۱/۵۶	۰/۸۵	AMNIYAT	امنیت اجتماعی-روانی

**فرضیه ۱:** با توجه به الگوی تحلیل مسیر و مقادیر جدول (۳)، ضریب استاندارد مسیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای به اوقات فراغت مقدار  $0/84$  و  $t$  این مسیر مقدار  $(t=29/46 > 1/96)$  است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با احتمال<sup>۱</sup> ۹۹ درصد متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای تاثیر مثبتی بر متغیر اوقات فراغت دارد، به طوری که با یک واحد

احتمال =  $0/01$   $t > 2/58$ ؛ احتمال ۹۵ درصد =  $0/05$   $t > 1/96$  است.



تغییر در مقدار متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، ما شاهد افزایش  $0/84$  واحدی در متغیر وابسته پژوهش یعنی اوقات فراغت شهروندان شهر زنجان هستیم.

**فرضیه ۲:** با توجه به الگوی تحلیل مسیر و مقادیر جدول (۳)، ضریب استاندارد مسیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای به آموزش مقدار  $0/80$  و  $t$  این مسیر مقدار  $(t=25/59 > 1/96)$  است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با احتمال ۹۹ درصد متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای تاثیر مثبتی بر متغیر آموزش دارد، به طوری که با یک واحد تغییر در مقدار متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، ما شاهد افزایش  $0/80$  واحدی در متغیر وابسته پژوهش یعنی آموزش شهروندان شهر زنجان هستیم.

**فرضیه ۴:** با توجه به الگوی تحلیل مسیر و مقادیر جدول (۳)، ضریب استاندارد مسیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای به امنیت اجتماعی-روانی مقدار  $0/85$  و  $t$  این مسیر مقدار  $(t=31/56 > 1/96)$  است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با احتمال ۹۹ درصد متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای تاثیر مثبتی بر متغیر امنیت اجتماعی-روانی دارد، به طوری که با یک واحد تغییر در مقدار متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، ما شاهد افزایش  $0/85$  واحدی در متغیر وابسته پژوهش یعنی امنیت اجتماعی-روانی شهروندان شهر زنجان هستیم.

**فرضیه ۳:** با توجه به مقادیر جدول (۳)، ضریب استاندارد مسیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای به سلامت به واسطه متغیر آموزش مقدار  $0/25$  بوده و  $t$  هر دو نیز معنادار است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با احتمال ۹۹ درصد متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بواسطه متغیر آموزش تاثیر مثبتی بر متغیر سلامت جسمی-روانی دارد، به طوری که با یک واحد تغییر در مقدار متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، ما شاهد افزایش  $0/25$  واحدی در متغیر وابسته پژوهش یعنی سلامت جسمی-روانی شهروندان شهر زنجان به واسطه متغیر آموزش عمومی هستیم.

**فرضیه ۵:** با توجه به مقادیر جدول (۳)، ضریب استاندارد مسیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای به سلامت جسمی-روانی به واسطه متغیر امنیت اجتماعی-روانی مقدار  $0/22$

بوده و  $t$  هر دو نیز معنادار است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با احتمال ۹۹ درصد متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بواسطه متغیر امنیت اجتماعی-روانی تاثیر مثبتی بر متغیر سلامت جسمی-روانی دارد، به طوری که با یک واحد تغییر در مقدار متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، ما شاهد افزایش  $0/22$  واحدی در متغیر وابسته پژوهش یعنی سلامت جسمی-روانی شهروندان شهر زنجان به واسطه متغیر امنیت اجتماعی-روانی عمومی هستیم.

**فرضیه ۶:** با توجه به مقادیر جدول (۳)، ضریب استاندارد مسیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای به متغیر سلامت به واسطه متغیر بیمه مقدار  $0/13$  بوده و  $t$  هر دو نیز معنادار است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با احتمال ۹۹ درصد متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بواسطه متغیر بیمه تاثیر مثبتی بر متغیر سلامت جسمی-روانی دارد، به طوری که با یک واحد تغییر در مقدار متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، ما شاهد افزایش  $0/13$  واحدی در مقدار متغیر وابسته پژوهش یعنی سلامت جسمی-روانی شهروندان شهر زنجان - به واسطه متغیر بیمه- هستیم.

**فرضیه ۷:** با توجه به الگوی تحلیل مسیر و مقادیر جدول (۳)، ضریب استاندارد مسیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای به فرهنگ تغذیه مقدار  $0/13$  و  $t$  این مسیر مقدار  $(t=2/58 > 1/96)$  است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با احتمال ۹۹ درصد متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای تاثیر مثبتی بر متغیر فرهنگ تغذیه دارد، به طوری که با یک واحد تغییر در مقدار متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، ما شاهد افزایش  $0/13$  واحدی در متغیر وابسته پژوهش یعنی فرهنگ تغذیه شهروندان شهر زنجان هستیم.

**فرضیه ۸:** با توجه به الگوی تحلیل مسیر و مقادیر جدول (۳)، ضریب استاندارد مسیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای به متغیر مسکن مناسب مقدار  $0/44$  و  $t$  این مسیر مقدار  $(t=9/49 > 1/96)$  است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با احتمال ۹۹ درصد متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای تاثیر مثبتی بر متغیر وضعیت مسکن مناسب دارد، به طوری که با یک واحد تغییر در مقدار متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، ما شاهد افزایش  $0/44$  واحدی در

متغیر وابسته پژوهش یعنی احتمال دسترسی شهروندان شهر زنجان به مسکن مناسب هستیم.

**فرضیه ۹:** با توجه به الگوی تحلیل مسیر و مقادیر جدول (۳)، ضریب استاندارد مسیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای به متغیر توسعه کیفی جمعیت مقدار  $0/24$  و  $t$  این مسیر مقدار  $(t=4/85 > 1/96)$  است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با احتمال ۹۹ درصد متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای تاثیر مثبتی بر متغیر توسعه کیفی جمعیت دارد، به طوری که با یک واحد تغییر در مقدار متغیر برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، ما شاهد افزایش  $0/24$  واحدی در متغیر وابسته پژوهش یعنی توسعه کیفی جمعیت ساکن در شهر زنجان هستیم.

### بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل‌ها نشان می‌دهد در تاثیر مستقیم، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بر متغیر امنیت اجتماعی-روانی به با مقدار ضریب مسیر  $0/85$  و پس از آن بر متغیر اوقات فراغت به مقدار ضریب مسیر  $0/84$  بیشترین تاثیر را می‌گذارد. همچنین برنامه‌ریزی ناحیه‌ای به ترتیب بر روی متغیرهای آموزش ( $0/80$ )، مسکن مناسب ( $0/44$ )، بیمه ( $0/29$ ) و توسعه کیفی جمعیت، بیشترین تاثیر را می‌گذارد.

در تاثیر غیرمستقیم، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بیشترین تاثیر را بر سلامت جسمی-روانی شهروندان شهر زنجان (با مقدار ضریب مسیر  $0/25$ ) آن هم بواسطه متغیر آموزش دارد و پس از آن، این تاثیر غیر مستقیم بواسطه متغیرهای امنیت ( $0/22$ )، بیمه ( $0/13$ ) و تغذیه ( $0/13$ ) برقرار خواهد بود.

### پیشنهادات

- برنامه‌ریزی راهبردی در خصوص افزایش امنیت اجتماعی محلات با تکیه بر قابلیت‌های خود کنترلی محلات

- آگاه‌سازی شهروندان در خصوص همکاری با پلیس و نیروهای امنیتی در جهت افزایش امنیت روانی
- سرمایه‌گذاری در بخش اوقات فراغت، امکان تفریحی و سوق دادن سرمایه‌گذاری خیرین به این بخش
- توسعه کیفی مراکز آموزشی مطابق با ترکیب سنی و نیازهای زیربنایی این شهر
- سرمایه‌گذاری در بخش خانه‌های غیر لوکس و ارزان قیمت و احیای بافت فرسوده شهری
- اطلاع‌رسانی از محاسن انواع بیمه‌ها و الزام شرکت‌های بیمه به تعهدات خود

## منابع

- اشکوری معصومی، حسن. (۱۳۷۶)، *اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، تهران: ناشر و مولف صحافی ستوده.
- افتخاری، رکن‌الدین؛ بهزادنسب. (۱۳۸۳)، *برنامه‌ریزی ارتباطی، رویکردی انتقادی به نظریه برنامه‌ریزی (با تأکید بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی)*، *مجله مدرس علوم انسانی*، شماره ۳۲، تهران.
- افراخته، حسن. (۱۳۸۷)، *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی سکونت‌گاه‌های روستایی*، تهران: نشر گنج هنر.
- آسایش، حسین، (۱۳۸۸)، *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*، دانشگاه پیام نور، تهران: چاپ نهم.
- آسوده، سید محمد و دیگران. (۱۳۷۱)، *بیمه در ایران/ در خدمت بیمه‌گر یا بیمه‌گذار*، *مجله حسابدار*، شماره ۹۱ و ۹۲.
- آلمندینگر، فیلیپ. (۱۳۸۹) *نظریه‌های برنامه‌ریزی*، ترجمه: الهام بهمن تیموری، تهران: انتشارات آذرخش.

بررسی نقش برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بر رفاه اجتماعی ... ۲۱

- باری، نرمن، (۱۳۷۱)، *رفاه اجتماعی*، ترجمه: اکبر میرحسینی و مرتضی نوربخش، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ ابراهیمی، محمدمیر. (۱۳۸۷)، *نظریه‌های توسعه روستایی*، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ سناجردی، رجبی. (۱۳۸۶)، *نظریه‌های شهر و پیرامون*، تهران: انتشارات سمت.
- پتربیک، فیتز. (۱۳۸۱)، *نظریه رفاه*، ترجمه: هرمز همایون پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- پتربیک، فیتز. (۱۳۸۵)، *نظریه‌های رفاه جدید*، ترجمه: هرمز همایون پور، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، چاپ اول.
- پیت، ریچارد وهارتویک، الین. (۱۳۸۴)، *نظریه‌های توسعه*، ترجمه: ازکیا و دیگران، تهران: نشر لویه، چاپ اول.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۳)، *امنیت اجتماعی با نگرش محله‌ای، مجله نامه پژوهش*، شماره ۹.
- توفیق، فیروز. (۱۳۸۴)، *آمایش سرزمین تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری ایران، چاپ اول.
- تینبرگر، یان. (۱۳۶۳)، *برنامه‌ریزی مرکزی*، ترجمه: احمدعظیمی بلوریان، تهران: سازمان برنامه و بودجه مرکزمدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات.
- جمعه‌پور، محمد. (۱۳۸۵) *برنامه‌ریزی توسعه روستایی- دیدگاه‌ها و روش‌ها*، انتشارات سمت، چاپ دوم، تهران.
- جمعه‌پور، محمود. (۱۳۸۷)، *مقدمه‌ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی*، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.

- حسین‌زاده دلیر، کریم. (۱۳۸۸)، *برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*، تهران: انتشارات سمت، چاپ هشتم.
- حسین نیا، غلامحسین. (۱۳۷۸)، *خلاصه ترویج و آموزش کشاورزی*، تهران: انتشارات آسایش.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۲)، *آناتومی جامعه*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زاهدی اصل، محمد. (۱۳۸۷)، *مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام*، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوم.
- زاهدی اصل، محمد. (۱۳۸۸)، *مبانی رفاه اجتماعی*، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران: چاپ دوم.
- زمردیان محمد، جعفر. (۱۳۶۴)، *اصول و مبانی عمران ناحیه‌ای*، تهران: طلوع آزادی، چاپ اول.
- زیاری، کرامت‌الله. (۱۳۸۸)، *مکتب‌ها و نظریه‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، دانشگاه تهران.
- زیاری، کرامت‌الله. (۱۳۸۱)، *برنامه و برنامه‌ریزی در ایران، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شماره ۱۶۴.
- ستوده، محمدرضا. (۱۳۵۷)، *تحلیل و ارزیابی اجمالی برنامه‌های عمران ناحیه‌ای در ایران - تا پایان برنامه پنجم*، بیجا.
- سیف‌الدینی، فرانک. (۱۳۸۱)، *مبانی برنامه‌ریزی شهری*، تهران: نشر آبیژ، چاپ اول.
- شکویی، حسین. (۱۳۷۳)، *دیدگاه نو در جغرافیای شهری*، تهران: انتشارات سمت، جلد اول.
- شیعه، اسماعیل. (۱۳۸۵)، *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی شهری*، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- صرافی، مظفر. (۱۳۷۷)، *مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقی‌های*، تهران: انتشارات مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی.

بررسی نقش برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بر رفاه اجتماعی ... ۲۳

- طاهری، شهنام. (۱۳۸۱)، *توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی*، تهران: نشر هوای تازه، چاپ چهارم.
- طلا مینایی، اصغر. (۱۳۵۳)، *تحلیلی از ویژگی‌های منطقه در ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- علاقه بند، علی. (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، تهران: نشر روان.
- کهن، گوئل. (۱۳۷۶)، *شاخص‌شناسی در توسعه پایدار (توسعه اقتصادی و حساب‌های ملی در بستر سبز)*، ترجمه: گوئل کهن، تهران: موسسه مطالعات پژوهش‌های بازرگانی، چاپ یکم.
- لطیفی، غلامرضا. (۱۳۸۹)، *مبانی برنامه‌ریزی و سیاست اجتماعی*، تهران: جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- ماکویی، احمد. (۱۳۸۳)، *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی تولید*، انتشارات دانش پرور، تهران: چاپ اول.
- مخدوم مجید. (۱۳۷۴)، *شالوده‌آمایش سرزمین*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مطیعی لنگرودی، حسن. (۱۳۸۶)، *برنامه‌ریزی روستایی با تاکید بر ایران*، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ سوم.
- موسوی، میرطاهر؛ محمدی، محمدعلی. (۱۳۸۸)، *مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی*، تهران: نشر دانژه، چاپ اول.
- موسوی شاهرودی، سیدحسین. (۱۳۸۷)، *برنامه‌ریزی*، انتشارات نورگیتی، تهران: چاپ اول.
- وصالی، سعید. (۱۳۸۹)، *جزوه نظریه و سیاست‌های اجتماعی*، پلی کپی.
- هال، پیتر. (۱۳۸۱)، *برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای*، ترجمه: جلال تبریزی، تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول.

- هال، آنتونی و میجلی، جیمز. (۱۳۸۸)، *سیاست اجتماعی و توسعه*، ترجمه: مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- هریسون، دیوید. (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی نوسازی و توسعه*، ترجمه: علیرضا کلدی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- هیلهورست، ژوزف. (۱۳۷۰)، *برنامه‌ریزی منطقه‌ای برداشت سیستمی*، ترجمه: غلامرضا شیرازیان و مرضیه سریری و دیگران، تهران: انتشارات مرکز مدارک اقتصادی اجتماعی، چاپ اول.
- الیاسی، حمید. (۱۳۶۸)، *واقعیات توسعه نیافتگی*، تهران: شرکت انتشار، چاپ اول.

- Bader, Hossein. (1981). "*Planning and Iran*, vol 5, pp 161-65
- Faghirzadeh, saleh. (1988). "*Sociology of Knowledge*", p 59-65
- Gittinger .j. price. (1972). "*Economic Analysis of Agricultural Projects*, p 52-54
- Low of "The Fourth economic, social and cultural development plan (of the Islamic republic of Iran). (2004)
- Mexico office. (2006). "*Strategic Planning and Regional Development*", p 2
- Silver Fein, Marilyn. (2001). "*The Role of as Moll Town in Rural Development*", p.25